

یادداشت

به بهانه نمایشگاه نقاشی‌های فتح‌الله مرزبان در گالری ماه مهر

در آغاز کلمه بود

مژگان قدوسی

مدتی قبل نمایشگاهی از نقاشی‌های فتح‌الله مرزبان در گالری ماه مهر برگزار شد. وی گرافист باتجربه‌ای است که بنا به اظهار خود احساس کرده باید نقاشی‌هایش را به نمایش عموم درآورد زیرا آثار وی بی‌تاثیر از گرافیک نیست. استاد مرزبان نوعی از ضربان تند و فوری قلمی را ثبت کرده که روایتگر روزگار سختی‌ها و رنج‌های مردمش است؛ حزنی که هنگام خستگی زمزمه می‌شود که تنها خودش و محرامن حق شنیدن آن را دارند. رقصی از کلمات و حروف که من هم از پشت پنجره این اتاق کوچک به سه‌هم بضاعم می‌خواهم لحظه به لحظه شاهد هزاران رنگ نقش باشم، ما نسبت به خاطرات و پس‌زمینه‌های ذهنی خویش حساس هستیم؛ آنچه قبلاً اتفاق افتاده و نگران آنچه قرار است اتفاق بیفتد. مرزبان این تنش را مطابق با جریان زندگی اجرا کرده است. راز تسکین درد در فهمیدن آن و در آغوش کشیدن آن است نه فراموشی. هر چند نقاش برای برون‌رفت و گریز از فضای غم گرفته آثارش از تکررنگ‌های بهره گرفته است اما سیاه و سپیدهای تابلو خود نشانگر این غم درونی و برون‌ریزی آن است. در دیدار از آثار سیاه، مخاطب خود را به بستری ترسناک می‌بیند که انگار کسی برایش کف‌بینی هولناکی کرده است، نه توان انکارش را دارد و نه جرات قبول کردنش را. روایتی از یک تباهی و سیاهی که بر زمان غیرقابل برگشت تاکید می‌کند. یکی از دلایل اهمیت اثر هنری زمانمندی اثر است. لحظه‌ای تاثیرپذیر که هنرمند مخاطب را فرمان ایست می‌دهد. سپیدی‌های آثار استاد مرزبان نیز از این امر مستثنی نیست. به دلیل زمانی که برای اجرای آن و ارائه اثر انتخاب شده، آثار وی بازتابی از شرایط دوران یا واکنشی به یک روند تاریخی- اجتماعی است. در درون تابلوهای سپید و سیاه، گاه رنگ‌هایی را می‌بینیم که تاکیدی بر ندیدن آن دارد، آن گونه که انتخاب را بر عهده مخاطب می‌گذارد که کدام رنگ را در پس‌زمینه اثر انتخاب کند. ریتم کلماتی که در فضای تابلوها جای گرفته‌اند ما را به یاد روزمرگی آزاددهنده‌ای می‌اندازد که اطراف را احاطه کرده و گریزی از آن نیست. در سپید و سیاه‌های مرزبان سرای بی‌کسی، زندگی، زمستان و سایه‌ای از زندگی اطراف را می‌توانیم جست‌وجوگر باشیم.بی‌شک، تمامی هنرمندانی که از خود ردی در تاریخ به جا گذاشته‌اند درک درستی از روح زمانه داشته‌اند و هستی‌شان معاصر بوده است. از این منظر تاریخ هنر عده بی‌شماری را ستایش کرده است. آیا آثاری که امروزه و در حال حاضر و در شرایط کنونی جامعه شاهد به نمایش درآمدن آنها هستیم، به راستی بازتابی از شرایط دوران هستند یا مرتبط به هستی‌شناسی معاصر نبوده‌اند.

خبر

سفر از ایتالیا تا تهران بعد از سه دهه حکایت مجسمه برنزی «امیر کبیر» زنده‌یاد ابوالحسن صدیقی

ایسنا: «تنسست‌های پژوهشی گالری «برگ» سرانجام دورقمی شده است و با کمال افتخار اعلام می‌کنیم ثمره یکی از این نشست‌ها را بعد از نکوداشت زنده‌یاد ابوالحسن صدیقی گرفتیم. به طوری که مجسمه برنزی «امیر کبیر» این هنرمند را بعد از بیش از ۳۰ سال به ایران بازگردانیم.» اینپنا را «سیدمجتبی موسوی» مدیر گالری برگ در خاتمه مراسم نکوداشت «یونس فیاض‌ثاوی» گفت و همچنین ادامه داد: «امروز با کمال افتخار اعلام می‌کنیم ثمره دومین نشست پژوهشی گالری «برگ» را که مربوط به زنده‌یاد ابوالحسن صدیقی بود، دریافت کردیم.»موسوی با اشاره به اتفاق‌هایی که طی یک سال گذشته بعد از برپایی آن نشست افتاد، توضیح داد: در آن نشست و با مرور اسناد و عکس‌های ایشان موضوع یکی از مجسمه‌های مرحوم صدیقی شدیم که تا به‌حال جایی دیده نشده و گویا سال‌ها پیش در خارج از ایران ساخته شده بود. بعد از پیگیری‌هایی که انجام دادیم متوجه شدیم مجسمه امیر کبیر سال ۵۶ در شهر فلورانس به زنده‌یاد صدیقی سفارش داده شد و همان جا نیز برنزی‌ری شد و سال ۶۰ با وجود نامتنگاری‌هایی که ایشان با وزارت ارشاد داشته نهایتاً موفق شدیم مجسمه را به ایران بازگردانم تا سال ۷۵ در گذشت.مدیر اداره حجم و نقاشی دیواری سازمان زیباسازی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: تا همین چند وقت پیش هم کسی پیگیری این مجسمه نچوده، اما بعد از برگزاری آن نکوداشت، سیراع این مجسمه با بعد از بیشتر از سه دهه گرفتیم و طی یک سال گذشته از طریق «حسن واحدی» که سابقاً اینتالیا است به نام «میکولوچی» که ریخته‌گری این مجسمه را ۳۰ سال پیش در ایتالیا انجام داده بود، رسیدیم. این هنرمند هم مرده بود، اما از طریق دوستان توانستیم شماره تماس فرزند او را که ۷۰ساله بود پیدا کنیم و متوجه شدیم کارگاه ریخته‌گری این هنرمند در ایتالیاکیه امروز تبدیل به کارگاه آلومینیوم‌سازی شده است، اما با نشانه‌هایی که از مجسمه «امیر کبیر» ردوبدل کردیم فرزند ایشان اشاره کردند که یک مجسمه برنزی در حیط این کارگاه افتاده است.وی گفت: عکس‌های این مجسمه برای ما ارسال شد و طی سفر به کشور ایتالیا با همکاری رایزن ایران در ایتالیا و مساعدت محسن یزدانی و حسن واحدی توانستیم با پدر میکولوچی مذاکره کنیم و بعد از پرداخت هزینه‌ای مجسمه را به ایران بیاوریم.موسوی در پایان گفت: بیشتر از یک ماه پیش مجسمه به ایران آمد و یک هفته پیش هم از گمرک ترخیص شد و عصر روز یکشنبه به صورت نمادین توسط آقای قلیاقلی در پارک «گفت‌وگو» رونمایی شد. خوشحالم که بعد از سی‌و چند سال این مجسمه بالاخره به ایران رسید.

همان‌گونه که مفاهیم عمیق فلسفی دچار تحول و دگرگونی شده، باید انتظار داشت مفاهیم و تعاریف در هنرهای تجسمی نیز تغییر یابد. این تغییرات تدریجی آتقدر که باید، به چشم نمی‌آید و با مرور کلی تاریخ هنر معاصر می‌توان به این تحول ساختاری پی برد. مفاهیم نظری هنرهایی چون عکاسی، سینما و نقاشی چشم‌اندازهای خود را معطوف به گسترده‌های دیگری کرده‌اند. به همین دلیل به آسانی نمی‌توان گفت جوزف بویز چه کاره بوده یا مارینا آپراموویچ دقیقاً به کدام هنر علاقه‌مند است. این گمگشتگی چشم‌اندازها مورد استقبال بسیاری از هنرمندان قرار گرفته و بسیاری دیگر را برافروخته است.

مانیا اکبری از جمله هنرمندانی است که از این تحول استقبال می‌کند و از آن بهره می‌گیرد. در نظر منتقدان وی هم ویدئوآر تیست است و هم هنرمندی که فیلم می‌سازد، هم تجربه‌هایی در چیدمان دارد و هم به عکاسی در قالب فتوآرت.

گفت‌وگویی ما با وی در همین محور آغاز شد و سپس به سمت ماهیت هنرهای مفهومی و هنرهای جدید رفت و در نهایت در قالبی آینده‌نگرانه به پیش‌بینی فردای هنرهای مفهومی و رابطه آن با انسان معاصر پرداخت. اما هنوز پرسش‌های فراوانی در زمینه آینده و تخیل بشر در آینده وجود دارد. آیا روزی این پرسش‌ها مطرح خواهد شد؟ و آیا پاسخی دریافت خواهیم کرد؟ باید به انتظار آینده نشست.

–گویا در دهه‌های اخیر مرز میان هنرهای زیبا از میان رفته است، به این معنی که یک نقاش به سراغ عکاسی می‌رود و یک عکاس به سراغ هنرهای مفهومی یا یک سسینماگر به ارائه چیدمان می‌پردازد. این موقعیت جدید را قبول دارید؟

هم قبول دارم و هم خوشحالم. هنر، فضای به شدت گسترده‌ای است؛ سرزمینی بی‌حد و مرز و خشن. وقتی دیگران به هنرمند می‌گویند تفت فقط عکاس، نقاش، کارگردان سینما یا ویدئوآر تیست هستی، حدود و حیطه خلاقیت تو را بسته و محدود می‌کنند و انتظار هیچ جعبه یا بسته تعریف شده دارند. اگر هم از این مرز زیاریات بیرون بگذاری، محکوم می‌شوی. نقد نمی‌شوی بلکه محکوم به عبور از مرزها می‌شوی. اما در دوران پسامدرن که از ویژگی‌های اصلی‌اش عدم تمرکزگرای است، این محدودیت‌ها معنی ندارد. چه اشکالی دارد که یک کارگردان در یک موزه، چیدمان ارائه دهد و مخاطب با بخش‌های دیگر ذهن و فکر او آشنا شود.

–می‌توان چنین نتیجه گرفت که به نسبت افزایش رسانه‌های هنری به ویژه در حوزه مفهومی، حق انتخاب هنرمندان نیز افزایش یافته و منتقدان هم نمی‌توانند جلوی آزادی هنری را سد کنند؟

اگر نقد، سازنده و سالم باشد و باعث تحول جریان‌سازی مثبت شود، بسیار هم خوب است. اما مشکل در اینجاست که برخی‌ها دوست دارند هنرمندان پیش‌بینی‌پذیر باشند. ولی یکی از ویژگی‌های هنرمندان در عصر معاصر غیرقابل پیش‌بینی بودن آنان است. وقتی منتقدان نتوانند هنرمندان را پیش‌بینی کنند، فوراً عصبانی می‌شوند.

–دلیل این واکنش چیست؟

همان‌طور که خوانده‌ام مثلاً هدیه تهرانی نمایشگاه برپا می‌کند و باعث ترافیک یکج تغییری را برمی‌تابند؛ نوعی تعصب. دو عنصر اصلی در زندگی هنرمندان خلاقیت و استفاده درست از تکنیک است که دومی به انتخاب رسانه مربوط می‌شود. منتقدان این مساله را به خوبی درک نکرده‌اند یک تکنیک وقتی حس می‌کند که رسانه ویدئوآرت برای موضوعی مناسب است، باید به سراغ این رسانه نرود. –اما این تداخل در برخی مواقع باعث تنش‌هایی می‌شود. نمونه‌های بزرگ آن هم نمایشگاه‌های رضا کیانیان و هدیه تهرانی بود. عکاسان به پوشش خبری و استقبال مخاطبان اعتراضاتی داشتند. این سریال چالش جالب توجهی را به وجود آورد. نظر شما در این باره چیست؟

یکی از خصوصیات هنر همین است. رویداد جذابی است. یک امر طبیعی است که وقتی ستارگان سینما یک نمایشگاهی می‌گذارند، از آن استقبال شود. باید کمی فراتر از این جزئیات به جامعه هنری نگاه کرد. خود این اتفاق یک پرفورمنس‌آرت بود. –چه چیز پرفورمنس‌آرت بود؟ اینکه یک سوپر استار مثل هدیه تهرانی نمایشگاه برپا می‌کند و باعث ترافیک منطقه می‌شود، یک رویداد جالب توجه بود. همه می‌دانیم که هرگز یک هنرپیشه نخواهد توانست جای بزرگانی چون بهمن جلایی در عکاسی را بگیرد. بهمن جلایی با عکاسی بهمن جلایی شد. –چالش‌های پیش آمده در این زمینه شاید به دلیل قوام‌یافتگی شدید هنرهایی مثل نقاشی، عکاسی و مجسمه‌سازی است یعنی یک مقاومت تاریخی در این زمینه وجود دارد. اما اگر هنرمندان رشته‌های سینما و تئاتر وارد حوزه هنرهای مفهومی بشوند، آتقدر تنش ایجاد نمی‌کند. اخیراً آنتیا پسانی در یک نمایشگاه مفهومی چیدمانی را ارائه کرده بود. آب آب هم تکان نخورد. همین‌طور عباس کیارستمی که تجربه‌های فراوانی در این‌زمینه دارد. آیا با این نکته موافق هستید؟

بحث بسیار جالبی را مطرح کردی. به طور کل یک تفاوت ویژه‌ای وجود دارد بین هنرمندان تجسمی و هنرمندان سینما. هنرمندان تجسمی یک آگاهی مطلوبی از مبانی سواد بصری دارند که بدون این آگاهی نمی‌توانند اثری خلق کنند. به همین دلیل وقتی به سراغ تصویر سینمایی می‌روند، حاصل کارشان از قدرت برخوردار است اما بی‌شمار فیلمسازهایی می‌شناسیم که حتی نمی‌دانند رنگ‌های اصلی و مکمل در مبانی هنرهای تجسمی چه رنگ‌هایی هستند. سینمای این گروه از کارگردانان بیشتر روایی و قصه‌گو است. –سبب‌ار خوب اما در آن سو هنرمندان تجسمی ضعف پردازش قصه دارند. این ضعف را قبول دارید؟

بله اگر این ضعف برطرف شود، تجسمی‌ها تبدیل به

تجسمی

گفت‌وگو با «مانیا اکبری» درباره هنرهای مفهومی

مفهوم گرایی از پس خیال

علیرضا امیرحاجبی



عکس:علیرضا امیرحاجبی

–روند ساخت آثار تان چگونه است؟ چگونه ایده و قالب یا رسانه انتقال‌دهنده مفهوم در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؟

ایده در اکثر موارد با رسانه در ذهنم تصویر می‌شود. از همان ابتدا اصولاً ذهن خودش ایده را به سمت یک رسانه سوق می‌دهد و کانالیزه می‌کند. وقتی ایده اجرا می‌شود نهایت دقت خودم را می‌کنم تا با پردازش دقیق جزئیات، واقعیات به تصویر ذهنی‌ام نزدیک شود. یعنی اگر ایده ذهنی هزار باشد من سعی می‌کنم در واقعیت اجرا به عدد ۹۰۰ دست پیدا کنم. هیچ‌گاه واقعیت کارهایی نتوانسته‌اند از خیال‌هایم جلو بزنند و به شصه هیچ وقت توان به نتیجه رساندن حد درسد خیال‌هایم را نداشتم.

–این عدم توانایی به امکانات فنی مربوط است؟ یعنی اگر همه چیز برایت فراهم بود خیال‌ها به حقیقت می‌پیوست؟

خیر، ربطی به امکانات ندارد. برخی مواقع خیالی که در ذهن است نسبت غیرقابل اجراست. در اینجا با ویژگی «ناممکن بودن» چالش داریم و پیش خودت می‌گویی باید این خیال را اجرا کنم، باید بشود. با توان مضاعف هم به پیش می‌روی اما در نهایت اگر به همان درجه ۹۰۰ از هزار برسی باید به خودت جازیه بدهی.

–در اثر ویدئویی جدیدتان «۳۰ دقیقه مانده به ساعت شش» با نوعی مرزشکنی سینما و ویدئوآرت مواجه هستیم. اگر مخاطبان به روایت شما توجه نکنند و فقط به تصویر توجه شوند می‌توان تعریفی کاملاً منطقی بر ویدئوآرت برای اثر ارائه داد. قاب‌های فتوگرافیک حساب‌شده، رنگ‌بندی‌های غلیظ، شدید با کنتراست. فکر می‌کنم هنرهای تجسمی در این اثر مبانی خود را به سینما تحمیل کرده است. با این تحلیل موافقتی؟

رویدادهای هنرمندان تأثیر می‌گذارند، چه رویدادهای اجتماعی، چه در سایر حوزه‌ها. اما هنرمند به هیچ وجه نباید صرفاً اثرش در حد همان رویداد اجتماعی متوقف بماند و تنها به گزارش و بازنمایی حادانه بپردازد. آنچه در اینجا به کمک هنرمند می‌آید پردازش زیباشناختی و مفهومی است که بر شانه‌های هنرهای تجسمی ایستاده. این نگرش وزنه سنگینی است که هنرمند باید آن را بلند کند چون در سینمای مستند همگان انتظارات مشخصی را پیگیری می‌کنند. وقتی با یک رویداد بیرونی مواجه می‌شویم باید آن را درونی کنیم. این همان صدا، نور و سایر تکنیک‌های سینما هم استفاده می‌کنید. یعنی از زبان علیه زبان سود می‌برید. باید آماده نقדהا و اعتراض‌های شدیدی باشید. اشکال ندارد. آماده‌ام. بالاخره یک اتفاق جدید است و واکنش‌های را هم در پی دارد. این واکنش‌های منفی عملاً چند سالی است که آغاز شده. سینما نتوانست «شرین» عباس کیارستمی را به عنوان فیلم بپذیرد. چقدر انتقاد شد به این اثر. چون از قالب سینمایی خارج شده بود و گرایش به تجسمی و مفهومی داشت. اما کیارستمی با «کی برابر اصل» به سینما بازگشت. چارچوب سینما به کیارستمی هشدار داد که عرضه و تقاضا وجود دارد. بازار وجود دارد. باید در قالب سینما حرکت کنی. همان طور که می‌دانید «کی برابر اصل» فروش بسیار بالایی داشته. این یکی از بزرگ‌ترین هشدارهای سینماست که تو را به عنوان یک فیلمساز بپذیرد.

–نمایشگاه پاییز شما در چه قالبی است؟ یک فیکتوینستالیشن یا چیدمان است. هفت قطعه عکس و یک چیدمان که در خدمت همدیگر هستند. –غیبت طولانی در عرصه تجسمی ایران داشتید؛ حدود ۱۰ سال. چرا با فضای تجسمی ایران قهر کرده بودید؟ اصلاً این طوری نیست. در هیچ شرایطی نمی‌توانم با جامعه خودم از کشور و شهر قهر باشم. در این ۱۰ سال خیلی درگیر نمایش آثارم در خارج از ایران بودم. هیچ‌کس و هیچ چیز نمی‌تواند مرا از ایران جدا کند.

یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۹

روی بوم

نمایشگاه گروهی نقاشی در گالری «دی»
نقاشی‌های مجید شعبانی، نوید مودب و محمد والی‌زاده از ۱۵ مرداد ماه سال جاری در گالری «دی» نمایش داده شده است.

شعبانی فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیباست و مهر ماه سال ۸۶ اولین نمایشگاه انفرادی طراحی خود را در گالری هنرهای زیبا برگزار و بعد از آن نیز در نمایشگاه‌های گروهی در گالری لاله و برگ شرکت کرد. آخرین نمایشگاه انفرادی او نیز سال گذشته در مجموعه آرت سنتر برگزار شد. نوید مودب هم دیپلم گرافیک دارد و تاکنون در نمایشگاه گروهی طراحی گالری «لاله» و جشنواره طراحی معاصر شرکت کرده‌بود.

محمد والی‌زاده هم عضو انجمن نقاشان است. این نمایشگاه روز جمعه - ۱۵ مرداد ماه - در گالری «دی» به نشانی نیاوران، ابتدای پاسداران، تنگستان چهارم، ناز یک، بن‌بست ترانه، پلاک ۳ افتتاح می‌شود و نمایش آن تا ۲۱ مرداد ماه ادامه دارد.

نمایشگاه «دختران امروز» در گالری هما
نمایشگاه گروهی «دختران امروز» از روز جمعه ۱۵ مرداد ماه در گالری هما برگزار شد.

زنان هنرمند امروز ایران خط و مسیر فرهنگی پیش از خود را دنبال نکرده‌اند. این دگرگونی زمانی عیان تر می‌شود که فرصت مطالعه نسل آخر هنرمندان در کنار یکدیگر وجود داشته باشد. «Shemage» عنوان عمومی نمایشگاه‌هایی است که امکان سنجش آثار مقطع تاریخی معین را در یک مجموعه واحد میسر می‌کند و در تجربیات بعدی خود کارنامه عکس و مجسمه‌سازی جوان هنر معاصر ایران را بررسی می‌کند. در این نمایشگاه آثاری از مرصیه باقری، لادن بروجردی، بهرو باقری، ساساگرد دثیری، آلا دهقان، آهو حامدی، زهرا حسینی، شیرین ملکاسماعیلی و گلناز طبیب‌زاده به نمایش درمی‌آید.

این نمایشگاه تا ۲۵ مرداد از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و ۱۶ تا ۲۰ ادامه خواهد داشت.

روند تاریخی جنبش مشروطه در عکسخانه شهر

نمایشگاه عکس «روند تاریخی جنبش مشروطه» به مناسبت سالروز صدور فرمان مشروطیت در عکسخانه شهر به همراه نمایشگاه‌های دیگر در نگارخانه‌های مختلف از دوازدهم مرداد برپا شده‌است.

این نمایشگاه به مناسبت روز صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی در عکسخانه شهر افتتاح شد.

در این نمایشگاه عکس‌ها و اعلان‌هایی از روند شکل‌گیری جنبش مشروطه در ایران با عکس‌هایی از آیتالله طباطبایی، شیخ فضل‌الله‌نوری، سیدحسن مدیر روزنامه حبل‌المتین، اتابک نخست‌وزیر مشروطه و... به همراه احکامی با دستخط اسماعیل امیرخیزی و با مهر ستارخان و امضای «قادیسی ملت و خادم ملت» و مدال‌های ستارخان و باقرخان برای اولین بار به نمایش در می‌آیند. عکس‌های مجموعه متعلق به محمدامین حسن‌زاده و اعلان‌ها متعلق به ناصرالدین حسن‌زاده است.

نمایشگاه شامل ۱۶ قطعه عکس سیاه و سفید در ابعاد مختلف ۱۳ اعلان، چهار حکم و دو مدال است که به مدت یک ماه در موزه عکسخانه شهر به نشانی میدان هکت تیر، خیابان بهار شیراز، میدان بهار شیراز درحال برگزاری است.

نمایشگاه عکس در خانه هنرندان
نمایشگاه عکس محمد مهدی اسعدی با عنوان «فریکه» پانزدهم مرداد در تالار تابستان خانه هنرمندان ایران افتتاح شد.

عکس‌های مهدی اسعدی حاصل سفر دومه‌ها این هنرمند به قاره آفریقااست که در ابعاد ۷۰×۱۰۰ و پانوراما به نمایش درمی‌آید. مهدی اسعدی دانشجوی رشته معماری است و برای پنجمین بار نمایشگاهش را برگزار می‌کند. عکس‌های نمایشگاه «فریکه» خرداد اسامال در فرهنگسرای ارسباران به نمایش گذاشته شده بود.

این نمایشگاه تا ۲۱ مرداد در تالار تابستان خانه هنرمندان ایران، خیابان طالقانی بعد از خیابان ایرانشهر، خیابان موسوی شمالی ادامه دارد.

آثار نستعلیق در فرهنگسرای گلستان
نمایشگاه آثار خوشنویسی در زمینه«نستعلیق» به مناسبت ماه مبارک رمضان در نگارخانه فرهنگسرای گلستان برپا می‌شود. در این نمایشگاه که به منظور آشنایی بیشتر شهروندان با هنر خوشنویسی است، تعداد ۳۰ اثر از آثار محمد رضا مقدم در اندازه ۳۰×۳۰ با مضامین قرآنی عرضه می‌شود. آثار خوشنویسی از ۱۶تا ۲۶ مرداد در فرهنگسرای خانواده واقع در نارمک، میدان هلال احمر، خیابان گلستان برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۷۷۸۴۱۳۷۴ تماس بگیرند.

نقاشی‌های مینا نادری در میرمیران
در نگارخانه میرمیران نقاشی‌های مینا نادری به نمایش گذاشته می‌شود. این نمایشگاه تا ۲۱ مرداد ماه ادامه دارد.

عکس‌های پایا میرصادقی در مژه
آثار عکاسی پایا میرصادقی از روز پنجشنبه ۴مردادماه در نگارخانه مژه روی دیوار رفت. این نمایشگاه از روز پنجشنبه ۱۲ مردادماه ساعت ۱۷ الی ۲۱ در نگارخانه مژهه گشایش یافت و تا روز ۱۴مردادماه خواهد داشت. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه عکاسی می‌توانند روزهای ۱۵و ۱۶ مرداد ماه از ساعت ۱۷ الی ۲۱ به نگارخانه مراجعه کنند.